

سلسله درس های محدودیت

حلقه هشتم

راز غنیت

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: راز غیبت؛ سلسله درس‌های مهدویت، حلقه هشتم /
سید محمد بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص.
شابک جلد هشتم: ۱- ۲۰۹-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
شابک دور: ۲- ۱۵۸-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ب ۸۳ / BP ۲۲۴
رده‌بندی دیوبندی: ۴۶۲ / ۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

شابک ۱- ۲۰۹-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-539-209-1

راز غیبت

سلسله درس‌های مهدویت (۸)

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: دوم / ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زندق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی‌پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۰۱۳۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز بخش: تبریز (صحیفه) ۰۴۱۱-۵۵۵۱۸۴۸ * اهواز (رشد) ۰۶۱۱-۲۲۱۷۰۰۱ * مشهد ۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷
شیراز (شاهچراغ) ۰۷۱۱-۲۲۲۱۹۱۶ * اصفهان (مهر قائم) ۰۳۱۱-۲۲۲۱۹۹۵ * دزفول (معراج) ۰۶۴۱-۲۲۶۱۸۲۱

۳۰۰۰ تومان



این حلقه به نیابت از:

دو نگاهبان ولایت علوی علیه السلام

سید مرتضی و سید رضی رحمهما الله

به پیشگاه:

دخت بزرگوار سید الاوصیاء علیها السلام

بانو امّ کلثوم علیها السلام

تقدیم می‌گردد.



فهرست مطالب

۱۳	فصل اول: بررسی عقلی علت غیبت
۱۳	درس اول: برهان لطف (۱)
۱۳	طرح سؤال: چرا امام عصر <small>علیه السلام</small> غایب شده‌اند؟
۱۴	ارائه برهان لطف برای اثبات ضرورت عقلی وجود امام <small>علیه السلام</small>
۱۷	نقد و بررسی منطقی برهان لطف
۱۹	درس دوم: برهان لطف (۲)
۱۹	عدم جواز اسناد غرض به افعال الهی
۲۱	سنت «امتحان» در خلقت خداوند
۲۴	عدم وجوب «لطف» در امتحان الهی
۲۶	درس سوم: برهان لطف (۳)
۲۶	ملزم نبودن خداوند به رعایت اصلح در مورد بندگان
۳۱	عدم وجوب اعمال جود و کرم از جانب خداوند
۳۶	درس چهارم: برهان لطف (۴)
۳۶	نقد برهان لطف به نقل از برخی موافقان
۳۸	نکات دیگری در نقد برهان لطف



۴۳ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۴

۴۵ درس پنجم: ناسپاسی مردم و غیبت امام علیه السلام

۴۵ عدم ضرورت استمرار ظهور امام علیه السلام

۴۶ سؤال از حکمت غیبت امام عصر علیه السلام

۴۷ قابل کشف نبودن حکمت غیبت

۴۷ نظریه‌ای درباره ملاک ظهور و غیبت امام علیه السلام

۵۰ سرایت دادن نظریه به ظهور و غیبت امام علیه السلام برای هر فرد

۵۲ تأیید نظریه مزبور با آیات و روایات

۵۳ نظریه علت فلسفی غیبت امام علیه السلام

۵۵ درس ششم: بررسی رابطه ناسپاسی مردم با غیبت امام علیه السلام (۱)

۵۵ اعطای نعمت‌ها بر اساس لیاقت و شایستگی نیست

۵۸ حضور آشکار ائمه علیهم السلام در جامعه بدون وجود لیاقت مردم

۶۲ درس هفتم: بررسی رابطه ناسپاسی مردم با غیبت امام علیه السلام (۲)

۶۲ ظهور امام علیه السلام بر فرد لایق در زمان غیبت، واجب نیست

۶۳ سلب نعمت لزوماً به علت بی لیاقتی نیست

۶۴ در صورت ناسپاسی، سلب نعمت ضرورت ندارد

۶۶ دیدگاه صحیح درباره ارتباط غیبت امام علیه السلام با کفران نعمت ظهور ایشان

۶۸ عدم ضابطه کلی برای کشف علت غیبت امام علیه السلام

۶۹ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۵ تا ۷

۷۰ درس هشتم: قابل کشف نبودن حکمت غیبت (۱)

۷۱ مأذون نبودن ائمه علیهم السلام در کشف حکمت غیبت

۷۳ روشن نشدن حکمت غیبت پیش از ظهور

۷۳ تشبیه غیبت امام عصر علیه السلام به کارهای حضرت خضر علیه السلام

۷۴ بررسی نظر مرحوم شیخ مفید درباره علت غیبت

۷۹ درس نهم: قابل کشف نبودن حکمت غیبت (۲)

۷۹ تصدیق حکیم بودن خداوند، بدون آگاهی از حکمت الهی

۸۰ ممنوعیت سؤال درباره علت غیبت

۸۲ بررسی ادعای کشف علت غیبت از توقیع امام علیه السلام

۸۵ درس دهم: بررسی آراء مرحوم سید مرتضی

۸۵ دیدگاه مرحوم سید مرتضی درباره علت غیبت

۸۸ بررسی و نقد

۹۰ عدم جواز اظهار نظر عقلی در مورد علت غیبت

۹۱ درس یازدهم: بررسی آراء مرحوم شیخ طوسی و علامه خواجه نصیرالدین طوسی

۹۱ بازگشت علت غیبت به مردم

۹۴ در صورت عدم انقیاد مردم، غیبت بر امام علیه السلام واجب نمی‌شود

۹۶ وقوع غیبت به اراده الهی

۹۸ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۸ تا ۱۱

۹۹ فصل دوم: بررسی ادله نقلی علت غیبت

۹۹ درس دوازدهم: علل نقلی غیبت (۱)

۹۹ معنای «علت» غیبت امام علیه السلام در احادیث

۱۰۲ اولین علت غیبت امام علیه السلام: ترس از کشته شدن

۱۰۶ درس سیزدهم: علل نقلی غیبت (۲)

۱۰۶ دومین علت غیبت امام علیه السلام: امتحان مردم

۱۰۹ نقل و بررسی سخن شیخ طوسی در رد این علت

۱۱۱ سخن دیگری در رد این علت و بیان مرحوم شیخ

۱۱۴ درس چهاردهم: علل نقلی غیبت (۳)

۱۱۴ سومین علت غیبت امام علیه السلام: بر عهده نداشتن بیعت

۱۱۷ چهارمین علت غیبت امام علیه السلام: اجرای سنت غیبت پیامبران

۱۲۲ درس پانزدهم: علل نقلی غیبت (۴)

۱۲۲ پنجمین علت غیبت امام علیه السلام: گناهان مردم

۱۲۴ سخت استناد غیبت امام علیه السلام به علل نقلی مذکور

۴۳ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۴

۴۵ درس پنجم: ناسپاسی مردم و غیبت امام علیه السلام

۴۵ عدم ضرورت استمرار ظهور امام علیه السلام

۴۶ سؤال از حکمت غیبت امام عصر علیه السلام

۴۷ قابل کشف نبودن حکمت غیبت

۴۷ نظریه‌ای درباره ملاک ظهور و غیبت امام علیه السلام

۵۰ سرایت دادن نظریه به ظهور و غیبت امام علیه السلام برای هر فرد

۵۲ تأیید نظریه مزبور با آیات و روایات

۵۳ نظریه علت فلسفی غیبت امام علیه السلام

۵۵ درس ششم: بررسی رابطه ناسپاسی مردم با غیبت امام علیه السلام (۱)

۵۵ اعطای نعمت‌ها بر اساس لیاقت و شایستگی نیست

۵۸ حضور آشکار ائمه علیهم السلام در جامعه بدون وجود لیاقت مردم

۶۲ درس هفتم: بررسی رابطه ناسپاسی مردم با غیبت امام علیه السلام (۲)

۶۲ ظهور امام علیه السلام بر فرد لایق در زمان غیبت، واجب نیست

۶۳ سلب نعمت لزوماً به علت بی لیاقتی نیست

۶۴ در صورت ناسپاسی، سلب نعمت ضرورت ندارد

۶۶ دیدگاه صحیح درباره ارتباط غیبت امام علیه السلام با کفران نعمت ظهور ایشان

۶۸ عدم ضابطه کلی برای کشف علت غیبت امام علیه السلام

۶۹ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۵ تا ۷

۷۰ درس هشتم: قابل کشف نبودن حکمت غیبت (۱)

۷۱ مأذون نبودن ائمه علیهم السلام در کشف حکمت غیبت

۷۳ روشن نشدن حکمت غیبت پیش از ظهور

۷۳ تشبیه غیبت امام عصر علیه السلام به کارهای حضرت خضر علیه السلام

۷۴ بررسی نظر مرحوم شیخ مفید درباره علت غیبت

۷۹ درس نهم: قابل کشف نبودن حکمت غیبت (۲)

۷۹ تصدیق حکیم بودن خداوند، بدون آگاهی از حکمت الهی



۱۲۵ طرح علت ششم غیبت و بررسی آن

۱۲۸ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۲ تا ۱۵

۱۳۱ فصل سوم: نارسایی ادله نقلی ادعایی بر علت غیبت

۱۳۱ درس شانزدهم: آیا آماده نبودن جامعه بشری علت غیبت دانسته شده است؟

۱۳۲ طرح دو علت استحسانی برای غیبت امام علیه السلام

۱۳۳ بررسی توفیق امام علیه السلام از جهت بیان علت غیبت

۱۳۴ آمادگی شیعیان یا آمادگی اجتماع بشری؟

۱۳۶ لقاء و مشاهده یا ظهور کلی؟

۱۳۶ سبب ظهور یا علت غیبت؟

۱۳۷ عدم وقوع شرط مذکور

۱۴۱ درس هفدهم: بررسی نظریه «نبودن ۳۱۳ یار» به عنوان علت غیبت (۱)

۱۴۱ دو دلیل نقلی

۱۴۳ بررسی دلالت دو حدیث بر مدعا

۱۴۳ این احادیث دلالتی بر علت غیبت ندارد

۱۴۶ یکی نبودن شرط ظهور با علت غیبت

۱۴۷ درس هجدهم: بررسی نظریه «نبودن ۳۱۳ یار» به عنوان علت غیبت (۲)

۱۴۷ عدم کفایت وجود ۳۱۳ نفر برای ظهور

۱۴۹ قاعده‌ای در سخن گفتن به صورت شرطی

۱۵۴ درس نوزدهم: بررسی نظریه نبودن ۳۱۳ یار به عنوان علت غیبت (۳)

۱۵۵ مصادره به مطلوب در استدلال برخی از بزرگان

۱۵۸ بررسی شرط وجود ۳۱۳ یار برای ظهور

۱۶۰ درس بیستم: بررسی نظریه نبودن ۳۱۳ یار به عنوان علت غیبت (۴)

۱۶۰ تقدّم ظهور امام علیه السلام بر اجتماع ۳۱۳ یار ایشان

۱۶۶ پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۶ تا ۲۰

۱۶۷ فهرست منابع

به دنبال مباحث حلقه پیشین، مهم‌ترین موضوعی که درباره غیبت امام عصر علیه السلام باید مورد توجه و دقت قرار گیرد؛ بحث علت یا علل این امر است. شاید این سؤال که: «چرا امام زمان علیه السلام غیبت کرده‌اند؟» بیشترین دغدغه دوستان آن حضرت باشد. سؤال دیگری که به دنبال آن مطرح می‌شود این است که: «چه چیز یا چه چیزهایی باعث رفع این غیبت می‌گردد؟» ارتباط این دو سؤال با یکدیگر بحث مهم دیگری را می‌طلبد درباره اینکه: «آیا راهکار رفع غیبت امام عصر علیه السلام لزوماً نفی همان علت‌هایی است که در مورد حدوث غیبت ذکر کرده‌اند یا خیر؟» اینها محورهای مورد بحث در این حلقه را تشکیل می‌دهند که باید به دقت تجزیه و تحلیل شوند.



فصل ۱

بررسی عقلی علت غیبت

درس اول: برهان لطف (۱)

طرح سؤال: چرا امام عصر علیه السلام غایب شده‌اند؟

اولین سؤال مورد بحث این است که: «چرا امام عصر علیه السلام غایب شده‌اند؟» قبل از پاسخ دادن به این سؤال باید توجه کرد که دو معنای مختلف از آن، قابل فهم است. در واقع این «چرا» می‌تواند به دو معنا باشد. معنای اول آن چرای «اعتراضی» و معنای دوم چرای «استفهامی» است. در حالت اول، سؤال کننده می‌خواهد بداند که غیبت امام عصر علیه السلام چگونه با «عدل» و «حکمت» پروردگار سازگار است. این سؤال وقتی رنگ اعتراض به خود می‌گیرد که کسی گمان کند، لازمه عدل یا حکمت الهی، وجود ظهور امام علیه السلام در روی زمین است. اگر چنین گمانی در کار نباشد، اعتراضی هم وجود نخواهد داشت.

ندارد.^۱ بر اساس این تعریف، ایجاد هر زمینه و مقدمه‌ای که انسان مکلف را در عمل به طاعات کمک می‌کند و یا از نافرمانی خداوند دور می‌سازد، بر پروردگار واجب می‌گردد.

معتقدان به وجوب لطف، به حکمت خداوند از طریق قبح نقض غرض، استدلال می‌کنند. دانشمند بزرگ و متکلم نامدار شیعه مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی می‌فرماید:

اللُّطْفُ وَاجِبٌ لِيَحْصَلَ الْغَرَضُ بِهِ.^۲

لطف واجب است تا غرض به واسطه آن به دست آید.

می‌گویند: اگر فاعل حکیم در انجام لطف، اخلال کند، غرض خود را نقض نموده و این با حکمت او منافات دارد. ابن میثم بحرانی در توضیح این استدلال چنین آورده است:

خداوند از مکلف خواسته است که طاعت را برگزیند. بنابراین هرگاه بداند که مکلف، طاعت را انتخاب نخواهد کرد یا به انتخاب آن نزدیک نخواهد شد، مگر اینکه فعل خاصی را در مورد او انجام دهد - با این فرض که نه انجام دادن آن فعل، بر خداوند مشقت دارد و نه موجب نقص و عیب خواهد بود - به مقتضای حکمت، انجام دادن آن فعل، واجب خواهد بود، زیرا انجام ندادن آن - در فرض مزبور - کاشف از آن است که خداوند طاعت را از مکلف نخواسته است. در مقام تمثیل، همانند این است که فردی

حالت دوم این است که هیچ اعتراضی در کار نیست و تنها پرسش از حکمت یا حکمت‌های غیبت امام عصر علیه السلام در میان است. در این حالت فرد پرسشگر می‌خواهد بداند که این امر، چه دلیل یا ادله‌ای دارد و البته اگر این ادله را هم نداند، در خصوص غیبت امام علیه السلام اعتراضی به مشیت الهی نمی‌کند؛ چرا که چنین کسی مسلم می‌داند که غیبت آن حضرت هرگز با حکمت و عدل پروردگار، منافات ندارد.

با این ترتیب اولین بحث در این باره است که ثابت شود غیبت امام علیه السلام با «عدل» و «حکمت» خداوند منافات ندارد.

ارائه برهان لطف برای اثبات ضرورت عقلی وجود امام علیه السلام

گاهی چنین تصور می‌شود که لازمه عدل یا حکمت الهی، ظهور و حضور علنی امام علیه السلام بر روی زمین است. این برداشت مبتنی بر تلقی خاصی از اصل «جعل خلیفه» توسط خداوند در زمین است، که آن را به مقتضای عدل یا حکمت پروردگار، عقلاً واجب و ضروری می‌داند. در این تلقی سخن آن است که وجود پیامبر یا امام، روی زمین در همه زمان‌ها عقلاً ضروری است و استدلال‌های مختلفی بر این مطلب ارائه شده که یکی از مهم‌ترین آنها با عنوان «برهان لطف» مشهور است.

در این برهان، چنین استدلال می‌شود که جعل و نصب خلیفه خدا روی زمین، نوعی «لطف» است و لطف هم بر خداوند واجب است. پس قرار دادن خلیفه روی زمین، ضروری است.

در این دیدگاه، «لطف» به هر چیزی گفته می‌شود که مکلف را - با حفظ اختیار و آزادی - به انجام طاعت الهی نزدیک و از معصیت او دور می‌سازد و در عین حال، در اصل قادر و توانا بودن انسان دخالت

۱ - عین عبارت مرحوم شیخ مفید اعلی الله مقامه این است: «اللُّطْفُ مَا يَفْرُبُ الْمُكَلَّفُ مَعَهُ إِلَى الطَّاعَةِ وَيَبْعَدُ عَنِ الْمُعْصِيَةِ وَ لَا حَظَّ لَهُ فِي التَّمَكُّينِ وَ لَمْ يَبْلُغْ حَدَّ الْإِلْجَاءِ.» (النكت الاعتقادية، ص ۳۱).

۲ - كشف المراد، ص ۳۵۰.

می‌گویند: هرگاه کسی غذایی آماده کند و هدف و غرضش دعوت افرادی باشد، به آنان پیغام بدهد و با اینکه می‌داند آنان آدرس ندارند، برایشان راهنما و یا آدرس نفرستد، مسلماً او را محکوم به کار عبث و بیهوده می‌کنند.^۱

نویسنده عبارات فوق به این نکته که متکلمان بزرگ بر آن تأکید ورزیده‌اند، توجه نکرده است که لطف مورد نظر ایشان، شرط قدرت یافتن مکلف بر انجام تکلیف نیست. حال اگر کسی را به مهمانی دعوت کنند، ولی آدرس یا راهنما برای او قرار ندهند، آن فرد، قدرت بر قبول دعوت نخواهد داشت. بنابراین آدرس دادن به کسی که به مهمانی دعوت شده، مصداق «لطف» مورد نظر متکلمان نمی‌باشد. پس اگر دعوت کردن، بدون آدرس دادن، نقض غرض دعوت کننده و قبیح محسوب می‌شود، از آن جهت است که دادن آدرس، شرط قدرت یافتن بر انجام تکلیف است، ولی لطف مورد نظر متکلمان چیزی بالاتر از ایجاد شرایط قدرت بر انجام عمل می‌باشد. به همین دلیل - چنانکه خواهیم آورد - فراهم نکردن آن شرایط را نباید نقض غرض به شمار آورد.

نقد و بررسی منطقی برهان لطف

کاستی بسیار مهمی که در استدلال بر وجوب لطف از دیدگاه متکلمان، وجود دارد، این است که کشف و تشخیص غرض از فعل و خلقت خداوند، عقلاً امکان پذیر نیست و به همین دلیل صحت مقدمه

واقعاً می‌خواهد که شخصی در مجلس میهمانی او حضور یابد و می‌داند که تا مراسم و تشریفات خاصی را انجام ندهد، وی به مجلس میهمانی او حاضر نخواهد شد و از طرفی انجام دادن آن تشریفات نه برای او دشوار است و نه موجب نقص و عیبی خواهد بود. در این صورت اگر آن عمل خاص را انجام ندهد، نقض غرض محسوب خواهد شد. از نظر عقلا، نقض غرض، سفیهانه است و مخالف حکمت به شمار می‌رود و چنین کاری بر خداوند متعال، محال است.^۱

مثال ایشان همان است که مرحوم علامه حلی در شرح عبارات مرحوم خواجه طوسی در «تجريد الاعتقاد» بیان فرموده است.^۲ در مثال فوق، انجام دادن آن تشریفات خاص، شرط تمکین مکلف و قدرت یافتن او بر انجام تکلیف نیست، همچنین او را به حد الجاء و اضطراب هم نمی‌رساند و همین، مصداق لطفی است که طبق این قاعده، انجام آن بر خداوند - به خاطر وجوب دستیابی به غرض - واجب شمرده می‌شود. البته همین نکته (مشروط بودن لطف به اینکه شرط تمکین نباشد) بر برخی از تقریرکنندگان برهان لطف مخفی مانده؛ آنجا که به استناد سخن ابن میثم بحرانی چنین آورده‌اند:

اکثر دانشمندان بزرگ کلامی مثال جالبی می‌آورند، آنان

۱ - فصلنامه انتظار، شماره ۵، ص ۱۱۵ و ۱۱۶ به نقل از قواعد المرام ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲ - عبارت علامه حلی این است: «كَمَنْ دَعَا غَيْرَهُ إِلَى طَعَامٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُجِيبُهُ إِلَّا أَنْ يَسْتَعْمَلَ مَعَهُ نَوْعاً مِنَ التَّأْدِبِ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلِ الدَّاعِيَ ذَلِكَ النَّوْعَ مِنَ التَّأْدِبِ كَانَ نَاقِضاً لَغَرَضِهِ.» (کشف المراد، ص ۳۵۱).

۱ - فصلنامه انتظار، شماره ۶، ص ۷۱، رحیم لطیفی به استناد قواعد المرام.

صغری در استدلال ایشان قابل احراز نمی‌باشد.
توضیح مطلب این است که استدلال متکلمان بر وجوب عقلی لطف از لحاظ منطقی به این صورت است:
صغری: انجام ندادن لطف از ناحیه خداوند، نقض غرض در افعال اوست.

کبری: نقض غرض از خدای متعال، قبیح و خلاف حکمت است.
نتیجه: پس انجام ندادن لطف از ناحیه خداوند، قبیح و خلاف حکمت می‌باشد.

درس دوم: برهان لطف (۲)

در درس گذشته به مناسبت بررسی برهان لطف، این سؤال را مطرح کردیم که آیا می‌توان گفت غرض خداوند از خلقت انسان‌ها هدایت و به کمال رساندن آنهاست؟

عدم جواز اسناد غرض به افعال الهی

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت: تعبیر «غرض خداوند از خلقت» تنهاییک معنای مقبول می‌تواند داشته باشد و آن هدفی است که خداوند برای موجودات عاقل و مختار - همچون انسان - به صورت تشریحی قرار داده است. اگر این مخلوقات با سوء اختیار خود در مسیر خلاف هدف تعیین شده حرکت کنند، هیچ لطمه‌ای به حکیمانه بودن خلقت الهی وارد نمی‌شود. بنابراین ضرورتی برای تحقّق خواست تشریحی خداوند وجود ندارد.

غیر از معنای فوق هر بیان دیگری که در توضیح تعبیر «هدف» یا

در این استدلال قیاسی، مقدمه کبری کاملاً صحیح و مورد قبول است، ولی صحت مقدمه صغری، عقلاً محلّ اشکال می‌باشد و به همین دلیل نتیجه عقلاً مردود می‌شود. اشکالی که در صحت صغرای استدلال وجود دارد، این است که تنها در صورتی می‌توانیم انجام ندادن لطف از ناحیه خداوند را نقض غرض او بدانیم که پیش از آن، غرض الهی را در افعالش، کشف کرده باشیم؛ مثلاً با قاطعیّت حکم کنیم که غرض خداوند هدایت و به کمال رساندن مخلوقات، به هر شکل ممکن است. اگر به چنین حکم قطعی رسیده باشیم، آنگاه خواهیم توانست از باب وجوب لطف اصطلاحی، بر خداوند واجب بدانیم که همه آنچه را به امر هدایت مخلوقات کمک می‌کند، فراهم نماید. ولی سخن بر سر همین است که انسان با چه پشتوانه‌ای می‌تواند به چنین حکم قطعی برسد. آیا این امر از مستقلات عقلیه است یا ادله نقلی بر چنین چیزی دلالت می‌کنند؟ پاسخ این سؤال را در درس بعد خواهیم داد.